

## بازی قدرت در افغانستان: هدف از تبلیغات ضد کرزی، ترساندن غنی است

منبع: ایشیا تایمز

نویسنده: بهادرا کمار

مترجم: رسول رحیم

**یادداشت:** هدف از ترجمه این مقاله همسویی فکری با نویسنده نیست، بلکه بازگرداندن افقهای مختلف تحلیل اوضاع سیاسی پیچیده افغانستان می باشد. عنوان برای فهم بهتر مطلب تعدیل شده است. (مترجم)

گزارشهای رسانه های غربی که می گویند حامد کرزی رئیس جمهور پیشین افغانستان در حال توطئه است تا قدرت را در کابل غصب کند، معقول نیست. نکاوت تند کرزی و تجارب هنگفت وی از کار در دولت، به وی تفهیم می کند که بدون حمایت امریکا او نمی تواند امیدی برای بقا در قدرت داشته باشد.

برگشت کرزی به قدرت بدون حمایت امریکا ناممکن است. حالا چرا امریکاییها از او حمایت کند؟

مناسبات کرزی با رئیس جمهور بارک اوباما به هنگام پایان دوران کارش حتا در آن حد دوستانه نبود که باهم صحبت کنند. کرزی موافقتنامه امنیتی بین ایالات متحده امریکا و افغانستان را که هدف آن دادن پشتوانه قانونی به تاسیس پایگاههای نظامی امریکا در افغانستان بود، عمداً در جا معطل گردانید.

او می خواست همه عملیات نظامی ایالات متحده امریکا را در خاک افغانستان، تحت نظارت کابل در آورد. کرزی و نوری المالکی گل یک باغ اند.



گذشته از آن غصب قدرت در کابل نمی تواند از مشروعیت بین المللی برخوردار باشد و کرزی از موقفش در جامعه بین المللی جداً آگاه است. او یک چهره ملی- حنا یک چهره تاریخی- است و چرا خود را تا سطح یک رهبر جناحی در کشور دچار تفرقه ننزل دهد؟

در راس همه، کرزی که یک ناسیونالیست پروپاقرص است، نمی تواند وحدت و تمامیت افغانستان را وجه معامله قرار دهد، زیرا او می داند که یک دستگاه غیر مشروع در کابل، تنها در را به روی مداخله خارجی بزرگتر می گشاید.

با توجه به همه اینها، این سؤال به وجود می آید که پس کی در عقب این کارزار تبلیغاتی هماهنگ شده علیه کرزی ایستاده است و از آن سود می برد. در قلب مسأله و هدف واقعی این کارزار رسانه یی ایالات متحده امریکا خود کرزی قرار ندارد، بلکه در واقعیت امر رئیس جمهور اشرف غنی می باشد.

هدف کارزار رسانه های غربی ایجاد سروصدا در اطراف غنی است تا او احساس ناامنی کند و به او پیوسته یاد آوری کند که بدون حمایت امریکا او نمی تواند حنا برای یک روز در کابل بر قدرت باقی بماند.

نکته اینست که غنی کاملاً یک ساختهء امریکاست. در انتخابات سال 2009، او صرفاً 3% آرا انتخاباتی را برد و در سال 2014 او برای آن برنده انتخابات شد که واشنگتن می خواست این مقام پیشین بانک جهانی که تقریباً فاقد هرگونه پایگاه سیاسی برای خود بود، جانشین کرزی گردد، چونکه وی به طور بی چون چرا وابسته به حمایت ایالات متحده امریکا خواهد بود. بدون ترغیب ایالات متحده امریکا، پاکستان شاید نمی گذاشت چنین شمار زیاد آرای پشتون ها به حساب غنی برود.

اما ایالات متحده امریکا تا هنوز چانس خود را با غنی نیازموده است. هرگاه حماسه کرزی اصلاً چیزی به واشنگتن آموخته باشد، آنست که افغان ها به شدت مردم آزادیخواه و مغرور اند، آن ها نمی خواهند از یک قدرت خارجی متابعت کنند و بدتر از آن دست نشانده آن معلوم شوند.

گفته شده است که دستور کار عمده ایالات متحده امریکا در افغانستان ایجاد یک حضور نظامی دایمی در این کشور باقی می ماند. جنگ سرد جدید با روسیه، شتاب گرفتن ابتکار "بیلت اند رود" یا پروژه راه ابریشم چین در آسیای مرکزی، رشد اتحاد (آنتانت) چین و روسیه در در اور آسیا، ظهور ایران، خطر بالقوه ای که از سوی اسلامگرایان تندرو متوجه قفقاز شمالی و شین جیانگ است، همه و همه افغانستان را صحنه بسیار مهم در استراتژی منطقه یی ایالات متحده امریکا می گرداند.

برعکس، با سیاست های غنی دایر بر تاکید بر آشتی افغان ها از طریق جلب همکاری پاکستان، ایالات متحده امریکا اخیراً به طور تدریجی دچار یک نوع "به حاشیه کشاندن" شده است، به ویژه آنکه چین و پاکستان یکی پی دیگری، برای پروراندن و ترغیب مذاکرات صلح کار می کنند. شی جین پینگ رئیس جمهور چین با اظهار یک «راه حل زود» از حیثیت خود در آن مایه گذاشته است.

هرگاه این گرایش ها شتاب بگیرند، ایالات متحده امریکا باید از آن خشنود باشد. اما در واقعیت امر از زمانی که طالبان پایان اشغال نظامی افغانستان توسط ایالات متحده امریکا را، پیش شرط اصلی صلح در افغانستان قرار داده اند، واشنگتن به نگرانی نهایت شدیدی گرفتار شده است و حدس درستی است که هم پیکنگ و هم اسلام آباد خواهند بود تا ببینند که آخرین سرباز امریکایی از هندوکش واپس بر می گردد.

جالب آنکه، اسلام آباد اخیراً مدعی شده است که پاکستان و چین می خواهند "ضمانت کنندگان" راه حل افغانستان باشند. تاکنون چنین پنداشته می شد که بدون کمک مالی ایالات متحده امریکا، اقتصاد افغانستان قادر به بقا نخواهد بود. اما دیگر چنین چیزی واقعیت ندارد، چونکه چین در صورت برقراری صلح در افغانستان بخش وسیع و به صورت بالقوه بزرگتر سود را از طریق ایجاد فضایی برای راه اندازی پروژه های چندین میلیارد دلاری راه ابریشم به دست می آورد. چین برای اعمار یک کاریدور اقتصادی در پاکستان و عده سرمایه گذاری 46 میلیارد دلاری داده است.

باز هم ادغام افغانستان به استراتژی "بیلت اند رود" چین نفوذ منطقه یی ایالات متحده را امریکا به طور جدی تهدید می کند، تا به آنجا که از طریق مشارکت چین، افغانستان، پاکستان، ایران، روسیه در یک منشور واحد برای امنیت و ثبات منطقه یی، یک دینامیسم کاملاً جدید قدرت را به وجود می آورد.

غنی واضحاً به طور فزاینده ای خود را در فشار دو سنگ آسیاب در می یابد. او نسبت به نیات حامد کرزی احساس ناراحتی می نماید و این امر در ذهنش یک حالت عدم اطمینان حاد به وجود آورده است. به یقین زیاد، او به حمایت امریکایی ها نیاز دارد.

با اینهم، بقای سیاسی او نیز وابسته به آوردن صلح در کشور و شروع یک حکومتداری باجهت گیری انکشافی می باشد که برای این منظور نیز به آشتی با طالبان ضرورت دارد.

با وجود آن آشتی با طالبان در کل وابسته به اراده همکاری پاکستان می باشد.

غنی روی چین تنها به دلیل نفوذی که بر پاکستان دارد حساب نمی کند تا پاکستان سیاست هایش را معتدل گردان، بلکه همچنان روی سرمایه گذاری این کشور در اقتصاد افغانستان حساب می کند. چین یک شریک انصراف ناپذیر برای غنی شده است.

با توجه به این تضاد های عمیق که در محاسبات غنی بازی می شوند، جای تعجب نیست که در یکشنبه گذشته او بازدید کننده مهمی از واشنگتن، یعنی جنرال مارتین دمسی لوی درستیز ( رئیس ستادهای مشترک) ایالات متحده امریکا را در کابل داشت.

این جنرال کم نظیر ماستر پلانی را که حاوی خطوط اصلی استراتژی مشترک ایالات متحده امریکا و افغانستان است با خود آورد بود که برای مقابله با ظهور "دولت اسلامی" یا داعش در افغانستان می باشد. بازخوانی پنتاگون از این سفر عبارت است از آنکه که دمسی و غنی « امکانات تشکیل یک شبکه برای مخالف با تهدیدات فرامنطقه یی را مورد بحث قرار دادند که توسط "دولت اسلامی" یا داعش به وجود می آید».

به صورت فشرده، دمسی به غنی گفته است که افغانستان باید به یک مرکز منطقه یی تبدیل گردد که به صورت بالقوه به عملیات پیشرونده نیروهای ضد تروریستی ایالات متحده امریکا در منطقه اجازه بدهد و همچنان پایگاهی را برای تقویت آن شرکای منطقه یی به وجود آورد که جنگ با تروریسم را جلو ببرند.

به گفته دمسی « آن ها( افغان ها) شرکای قابل اعتماد و دواطلب در عملیات ضد تروریستی اند و می توانند یکی از کلید ها در پرداختن به "دولت اسلامی" یا داعش در همه آسیای جنوبی باشند».

البته دمسی خواست تا فهمیده شود که جنگ علیه تروریسم یک مبارزه طولانی است و شاید یک نسل را در بر گیرد.

دمسی بعداً به رسانه ها گفت که "دولت اسلامی" یا داعش « خطر بی وقفه ای را به وجود می آورد که ایجاب می نماید در سطح تلاش های دومدار به آن در طی یک دوره زمانی پرداخته شود». واقعاً او بعد از ملاقات با غنی خوش و سرحال معلوم می شد. از همینجاست که او پاسخ غنی را چنین خلاصه گردانید: « نظر او ( غنی) این است: " نگاه کن، من ( غنی) یک شریک داوطلب در ساحه ای هستم که شاید شما شرکای داوطلب نداشته باشید».

در عین زمان در یکشنبه، جنرال جان کمپبل فرمانده ارشد ایالات متحده امریکا در افغانستان به رسانه ها گفت که " دولت اسلامی" یا داعش در افغانستان ، در حال رسیدن از یک حالت «زایش» به حالتی است که « عملیات نشان بدهد».

جای تعجب نیست که او باما نیز فرصت را از دست ندهد و ماموریت موفقانه دمسی را به کابل دنبال کند. او باما یک ویدیو کنفرانس نادر را روز چهارشنبه برای مباحثه روی مبارزه علیه "دولت اسلامی" یا داعش با غنی راه اندازی کرد.

ایالات متحده امریکا خوشنود گردید که از دراز مدت حضور نظامی امریکا در افغانستان تا زمانی در معرض خطر نمی باشد که اشرف غنی در کابل بر قدرت بماند. غنی نیز می تواند از درک این نکته احساس آرامش کند که او می تواند روی حمایت ایالات متحده امریکا حساب کند، ولو آنکه پنج کرزی دیگر علیه وی در بازار های کابل به مخالفت برخیزند.

این «مجهول شناخته شده» باقی می ماند که طالبان ماموریت دمسی را چگونه در می یابند؟

ایالات متحده امریکا شاید به طور موثری پره ای در ارا به آن گفتگو های صلح در حالت تکوینی بیاندازد که پاکستان و چین نومیدانه ترغیبش می کنند. دمسی که هرگز پروای آن را نداشته است تا تحقیرش را نسبت به اردوی پاکستان و آی اس آی به دلیل دو پهلو گویی شان در جریان جنگ افغانستان پنهان کند، فقط چند هفته پیش از بازنشستگی اش، خنده کنان دور می شود.

او برای غنی شکی باقی نگذاشت که، درست ترخیص قدرت اشغالگر ایالات متحده امریکا از افغانستان مسأله غیر قابل مباحثه می باشد. غنی به یمن درک موقعیت کرزی، این نکته را درست یافت.